

روابط بین المللی از نظر اسلام

جهان، پیش از طلوع دعوت اسلامی، در شب دجوری از شرک و جهل و مصیبت و پیدادگری و خودسری دست و پا میزد. عقائد و اخلاق و روابط اجتماعی و نظامات سیاسی و حکومتی در جامعه بشری دستخوش فساد و تباهی بود.

مردم در پنداهام و اباطیل و شهوات و خرافات اسیر بودند، و غرائز حیوانی و خونریزی و درندگی بر اخلاق و رفتارشان حکومت داشت، و مقامات و اساتذی در رویای غفلت و فراموشی مانده بود!

رابطه میان افراد و اقوام بشری بر اساس سنجش و مقایسه میان ضعف و قوت استوار بود. نیرومندان ضعف را طعمه خود میساختند، و توانگران حقوق ما را آن دامپر بودند، و ذورمندان خون پشویان را میکیدند.

قاعده سیاست میان حاکم و محکوم عوس و رؤساء و تمایلات ارباب قدرت و نفوذ و جان و مال و عرض و ناموس رعیت در گرو دلخواه و اراده غناست و مستبد و خودسز بود!

در چنین شرایطی وقت باار و اسف انگیز، حکمت عالی الهی چنین اقتضاء کرد که جهان را از لوث فساد پیراسته سازد، و مردم جهان را از پیدادگری و عروج و عروج و بی سامانی رها کنی بخشد، و از آن بدبختی و آشفتگی که در سراسر زمین دامن گسترده بود برهاند!

بدینگونه خود شهد اسلام از افق جزیره العرب بدرخشید، و شهبات دردم فتره ظلمت را پیرا کند، و جهان بنیان را سالود داد که: ای مردم جهان! ایم اکتون از جانب خدا نوری و کتاب آموذنده و روشنی بر ای شما عادل گشته است، که خدا در پرتو آن کسانی را که در جهت خشنودی او راه میروند بر اشیای سلخ و آسایش و آذینش و عبیری میکند، و ایشان را بفرغان و نصیبت خود از تاریکی و بنور میآورد، و دامنستقیم سعادت و دستگیری را بایشان بلازمینماید (۱)

روح دعوت اسلامی

دعوت اسلامی - هر چند، از نظر فروع، بشعبه ایران و ساحتی های بسیار منقسم و منقسم می گردد، ولی سرور یک اصل خلاصه میشود، و آن یک اصل: **دعوت جهان بر سر منزل خیر و صلاح، و بایر آمدن از ظلمات بمور است.** اگر ما بخواهیم این اصل اساسی را تا اندازه ای مورد تفصیل و تشریح قرار دهیم میتوانیم آنرا بسه اصل مهم: توحید، مساوات و عدل تقسیم کنیم. ۱ - اسلام بوسیله توحید، فساد عقیده را اصلاح کرد، به این معنی که مردم را با احترام

عقل و فرو گذاشتن او عام و خرافات شرک و بت پرستی فرا خواند . و اعلام داشت که این دستگاه عظیم آفرینش پروردگاری عظیم و مبدی مدبر و حکیم دارد که تنها او شایسته پرستش و برانندگی نیایش است . و لا تدركه الابصار ، و هو يدرك الابصار ، و هو اللطيف الخبير (۱) .
 خدائی که بینندگان از دیدش فرو میسازند ، و او بینندگان را ، می بیند ، و آندو بهترین اسرار و پوشیده ترین رازها آنگهی دارد .

این دعوت موافق با حقیقت فطرت و نهاد طبیعت انسانی و مصلحت با همگی دعوت های آسانی است . فطره الهی فطره الناس علیها (۲) ، همان فطرت الهی که همگی مردمان را بر آن مقنن و محبوب ساخته است .

۲ - همچنین اسلام بوسیله مسالوات ، اسلم مهم و وحدت بشری را ، که هیچگونه فرقی میان الملوان و اجناس ، و نژادهای بشر نمی شناسد - استوار ساخت و اعلام کرد که :
 الا ای مردم چه مان ، همانا شما را الیک مردودین میافریدیم ، و بسورت اقوام و قبایل مختلف در آوردم تا باب مراد و معارفه را بروی هم بگشایید . ندانم که این اختلاف را وسیله تقوی و پایداری تری قرار دهید ، زیرا اسلام بر تری تنوی است ؛ و گرامی ترین فرد شما در خدا پر عزیز -
 گارترین فرد شماست (۳)

همچنین در تأکید همین حقیقت گفت : ای مردم جهان ، از پروردگار تان شویید که همگی شما را از یک تن میآفرید ، و همه را از خمیرمایه ای خلق کرد ، و مردان و زنان بسیاری از آندود در جهان پراگند و از آن خدای که خلق و حوالستان را بوسیله اوستی طلبید ، و همچنین از خوبشان و ارحام گسیختن پیوند خود و همگاری از ایشان پر عزیز کنید (۴)

۳ - پراغایت اسل عدل و داد بنیاد ظلم و نورد خود میسر می آوران ساخت ، و امنیت و آرامش و رفاه و آسایش را بجای آن بنیاد نهاد ، و در اجرای آن حد الصیام نزدیک و دور دوست و دشمن مؤمن و کافر تفاوتی نگذاشت . در این پایه فرموده که پیغمبران خود را با آیتان آشکار و محتفاتی غیر قابل انکار فرستادیم ، و کتاب و میران را به راه ایشان بآل کردیم تا مردم جهان در ظل سیاست و ارشاد ایشان آئین عدل و داد را بیابند (۵)

و نیز در تأکید و تأیید همین حقیقت فرموده : ای کسانی که با این اسلام گردیدماید ، همیشه آماده اجراء اراده و حکم خدا ، و شهود عدل و داد باشید ، و سابقه خصومت دشمنی با افراد ، شما را بنقض عدالت و اناندر با این عدل و داد رفتار کنید . زیرا که آن به پر عزیز و

(بقیه در صفحه ۱۳)

صیانت از فتنه و آشوب نزدیکتر است (۴)

(۱) آیه ۱۰۳ از سوره اشام

(۲) آیه ۳۰ از سوره روم

(۳) آیه ۱۷۱ سوره حجرات

(۴) آیه اول سوره نساء

(۵) آیه ۲۵ سوره حدید

(۶) سوره مائده آیه ۸

بینوایان و دستگیری از مستمندان را تحویل بر بودجه دولت میسرود و زمامدار را به بیانه کسر بودجه از راه فضیلت منحرف میسازد. ترسو نیز به عقیده امام (ع) لایق مشورت نیست زیرا به عقیده ترسو دفاع از مال و ناموس و وطن نه تنها لازم نیست بلکه ترسوها همیشه به پیروی از منطلق ابوعبیده استراحت و امیدن زیر سایه درختان را از شرکت در میدان رزم بهتر میدانند !! و جانبازی و فداکاری را اموری لغو و بیهوده می انگارند!

حریص نیز بدرد مشورت نمیخورد زیرا وزیر و رئیس حریص جز مال اندوژی کاری ندارند ، هدف آنها جمع پول است از هر راهی که ممکن شود در زمان چنین وزراء و رؤسائی روزم روز بر تعداد و مقدار آنها افزوده می شود و در نتیجه ملتها بیچاره تر میشوند در حالیکه شکمهای حریص را هیچگاه سیری نیست و چه بسا بر سر آنها همان پرود که بر سر مستصم آخرین خلیفه عباسی دقت!

دیگریست : مستصم در جمع ا و مال سخت حریص بود ، دو حوض داشت که سعی میکرد همواره از طلا پر باشد و از این جهت سخت مردم را می دوشید و بسر بازان و ارتشیان نیز حقوق درستی میداد .

وقتی سلاکو خان مغول بنداد را گرفت و خلیفه را بزندان افکند ، خلیفه در زندان گرسنه شد و از زندانبان خود طلب خواست . جریانشا به مرض وزیر اعانم خواجه نصیر الدین خلوسی رساندند . خواجه دستور داد طرفی پر از طلا برایش بیاورند ، او با دیدن طلاها آهی کشید و گفت : باشکم گرسنه در زندان طلا چه دردم میخورد ؟

ماجرای خواجه گزارش دادند ، خواجه که برای تنبیه او عمداً این وضع را پیش آورده بود فرمود : او بگویند تو که میدانستی طلا حتی شکمی را سیر نمی کند پس چرا در جمع آن این اندازه حریص بخرج دادی و حتی از سر باذات مضایقه کردی تا جائیکه حاضر نشدند از جان تو دفاع کنند ؟

پیشگاه علم انان مطالبات و حقوق

پاره از صفحه ۱۰

املاسیاست اساسی خود را در ایجاد رابطه میان افراد و طبقات مسلمین ، و میان ملت اسلام و سایر ملل بر همین پایه استوار ساخت . منظوری در این بحث استخراج قواعدی است که این شریعت برای تنظیم روابط بین المللی مقوم کرده است. این قواعد طی دو عنوان مندرج است :

(۱) قواعدی که اسلام بوسیله آن روابط خود را با دول دیگر تنظیم میکند .

(۲) قواعدی که اسلام بوسیله آن روابط خود را با رعایای غیر مسلمان در مملکت اسلامی

(نا تمام)

استوار میسازد .